آیا اختلاف فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش حسرت المپیک را ٤٤ ساله می کند؟

گزینه اصلی هدایت تیم ملی فوتبال امید ایران در مورد حضور در این تیم و تصمیم نهایی فدراسیون تا روز چهارشنبه به مسوولان فرصت پاسخگویی داد. به گزارش فارس، حبیب کاشانی مدیر تیم ملی امید فوتبال ایران بعد از جلساتی که با کمیته فنی و توسعه فدراسیون برگزار کرد و گزینه‌های هدایت تیم ملی امید مشخص شد، با زلاتکو کرانچار برای حضور در تیم ملی امید مذاکره کرد و حتی هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال هم با این مسئله موافقت کرد تا همه منتظر حضور این مربی در ایران باشند. حتی کرانچار با حضور در اردوی تیم ملی امید ایران در قطر عملکرد بازیکنان را زیر نظر گرفت و در مذاکراتی که با کاشانی انجام داد توافقات اولیه در مورد مبلغ قرارداد و زمان آن حاصل شد. حضور کرانچار زمانی قطعی می‌شود که وزارت ورزش با حضور این مربی در ایران موافقت کند. گفته می‌شود وزارت ورزش با این مسئله مخالف است و آنها مجوز حضور این مربی را نداده‌اند. طی قانون جدیدی که اخیرا بحث آن مطرح شده وزارت ورزش باید در مورد استخدام مربیان جدید با صدور تائیدیه موافقت خود را اعلام کند که کمیته صدور مجوز تائید استخدام مربیان خارجی با جذب کرانچار مخالف است!!! گفته می‌شود ۲ تیم ایرانی هم خواهان جذب کرانچار هستند و پیشنهاداتی هم به این مربی ارائه کرده‌اند که این پیشنهادها هم به لحاظ مالی بالاتر از پیشنهاد فدراسیون فوتبال هستند. کرانچار به مسوولان فدراسیون اعلام کرده تا روز چهارشنبه در مورد حضور این مربی در تیم ملی امید و شرایط قرار داد پاسخ قطعی را اعلام کنند که در غیر این صورت او در مورد آینده کاری خود تصمیم خواهد گرفت. مردم و مسوولان با توجه به ناکامی ٤٠ ساله تیم ملی امید در راستای راهیابی به المپیک خواهان رسیدن به آرامش هستند. بعد از برکناری نلو وینگادا از سمت مربیگری تیم ملی امید و مشکلاتی که در این راستا به وجود آمد، این تیم اکنون به آرامش رسیده و چندی قبل با برگزاری اردوی قطر که یکی از بهترین اردوهای تیم‌های ملی فوتبال ایران در چند سال اخیر بود، بازیکنان توانستند در فضایی خوب و با آرامش تمرینات و بازی‌های دوستانه بسیار خوبی برگزار کنند. اردوی قطر جزو معدود اردوهای تیم ملی امید بود که هیچکدام از بازیکنان مشکل خروجی نداشتند. در حال حاضر مسئله کرانچار جدیدترین چالشی است که پیش روی تیم ملی امید قرار گرفته و باید دید مسوولان این تیم چطور این مشکل را حل می‌کنند.

امیر عابدینی:

مگر وزارت ورزش قرار نبود پرسپولیس را در آذرماه بفروشد؟

با لابی می‌خواهند سیاسی را مدیرعامل پرسپولیس کنند

مدیر سابق باشگاه پرسپولیس گفت: مگر وزارت ورزش قرار نبود پرسپولیس را در آذرماه بفروشد ما خریدار باشگاه هستیم. امیر عابدینی در گفت‌وگو با فارس، در مورد دربی ۷۹ گفت: نیمه اول بازی یک بازی معمولی و حتی پائین‌تر از سطح لیگ برتر بود اما در نیمه دوم امیر قلعه‌نویی به خاطر یک گل که از حریف پیش بود از پیله احتیاط خارج نشد اما حمید درخشان به خاطر اینکه تیمش عقب بود از لاک احتیاط خارج شد و در نتیجه حمید بازی را در دست گرفت. با فشاری که پرسپولیس وارد کرد شکنندگی استقلال دیده شد. وی ادامه داد: باورم نمی‌شد که امیر قلعه‌نویی مدافعان چپ و راست خود را تغییر ندهد و با همان روش به بازی ادامه بدهد تا اینکه گل اول را خورد و بعد از گل دوم پرسپولیس هم استقلال بی‌محابا و خارج از سیستم تاکتیک مدرن فوتبال حمله کرد. مدیرعامل سابق پرسپولیس تاکید کرد: قلعه‌نویی با همان روشی که همه می‌شناسند و مختص خودش بود دو دفاع خود را کنار آرش برهانی برد تا روی دروازه پرسپولیس خطر ایجاد کند اما دیگر فرصتی نبود. حتی پرسپولیس می‌توانست گل سوم را هم بزند. در هر حال حملات استقلال بدون طراحی و برنامه‌ریزی و با ارسال از جناح راست و سانترهای خسرو حیدری و ارسال‌های مستقیم به دنبال نتیجه گرفتن بود. مدیرعامل سابق پرسپولیس با اشاره به خوشحالی خود از برد پرسپولیس گفت: به عنوان یک پرسپولیسی از برد در دربی خوشحالم اما ما تعریف درستی از فوتبال نداریم برای همین است که می‌بینید سپاهان به سادگی افت می‌کند، تراکتورسازی بازی را می‌بازد و بازی پرسپولیس و استقلال دلزدگی ایجاد کرده و به جای ۱۰۰هزار تماشاگر به ٦٠هزار نفر قناعت می‌کنیم. با این حال آنچه در دربی شیرین بود برتری جوانان پرسپولیس بر بازیکنان با تجربه استقلال بود. عابدینی با اشاره به آمار پاس‌ها در دربی گفت:تعداد پاس‌ها در دربی از سطح استاندارد جهانی بسیار پائین‌تر بود و حتی نزدیک به سطح صفر بود. پرسپولیس گاهی پنج پاس متوالی می‌داد اما این آمار هشداری برای فوتبال ماست اینکه در فوتبال فقط بر روی ضربات کاشته کار می‌کنیم و طراحی برای حملات از خط دفاع با انجام کار تاکتیکی نداریم. عابدینی در مورد اینکه حسین کلانی گفته است حمیدرضا سیاسی مدیرعامل باشگاه خواهد شد و جعفر کاشانی رئیس هیأت مدیره گفت: اینکه کلانی این حرف را زده خوب است و اینکه کاشانی هم رئیس هیأت مدیره باشگاه شود خوب است اما مدیرعاملی سیاسی طراحی امیررضا خادم است. کاشانی و کلانی به هیأت مدیره می‌آیند زیرا مدت‌هاست با انستیتو پرسپولیس با سیاسی در حال همکاری بودند سوال من این است مگر وزارت ورزش اعلام نکرد در آذرماه باشگاه پرسپولیس را واگذار می‌کند پس این واگذاری چه شد؟ عابدینی تصریح کرد: اگر این حرف واگذاری هم از آن حرف‌هایی است که راست نگفته‌اید که هیچ اما اگر واقعاً قصد واگذاری پرسپولیس را دارید ما خریدار آن هستیم. پرسپولیس را به سازمان خصوصی‌سازی بدهید تا ما آن را بخریم یا اینکه نماینده دولت مشخص شود و ما هم وکیل خودمان را معرفی کنیم و پرسپولیس را بخریم یا آن را به مزایده بگذارید و آن را بخریم. وی ادامه داد: متأسفانه شرایط به گونه‌ای شده است که در کشور آنهایی که پول دارند همه کاری می‌کنند اما آنهایی که اعتبار و حیثیت دارند نمی‌توانند از اعتبار خود دفاع کنند. چرا برخی افراد پولدار با لابی می‌خواهند عرصه را در دست بگیرند و افراد کاربلد و با آبرو به حاشیه رانده می‌شوند و در رأس کار نیستند. اگر افراد پولدار فقط می‌آیند تا پول خرج کنند باید دید در پس ذهن آنها چیست؟ عابدینی با اشاره به حضور یک خارجی در گذشته در صنعت کشور عنوان کرد: فردی به نام مهدی تاجر که کویتی بود به ایران آمد تا آلومینیوم المهدی را راه‌اندازی کند و این کار را هم کرد اما بعد از مدتی مشخص شد که این فرد می‌خواهد با پول خرج کردن حتی به سطحی برسد که در ایران رئیس‌جمهور هم انتخاب کند. اکنون هم نباید اینگونه باشد که برخی با لابی و نفوذ بگویند که در برخی شوراها نفوذ دارند و افرادی که قرار است رأی بدهند با او همراهند زیرا آنها را خریداری کرده است. عابدینی تصریح کرد: اگر پرسپولیس در دربی برنده شده نباید سوار بر موج این پیروزی شویم این برد به همت درخشان به دست آمد اما مدیرعاملی برخی می‌تواند برای پرسپولیس فاجعه باشد. من حاضرم ٤٠ امضاء جمع کنم از تمام پیشکسوتان پرسپولیس از همایون بهزادی تا انصاری‌فرد و مجتبی محرمی و علی دایی و مهدوی‌کیا همه می‌آیند و امضا می‌کنند که ما حاضرین پرسپولیس را بخریم اما اگر قرار نیست پرسپولیس واگذار شود چرا اعلام می‌کنند و معنی این تغییر و تحولات چیست؟

پژمان جمشیدی:

هر طلسمی روزی می‌شکند

بازیکن سابق پرسپولیس می گوید هر طلسمی بالاخره یک روزی می‌شکند. به گزارش خبر آنلاین؛ پس از پیروزی پرسپولیسی‌ها در دربی، پژمان جمشیدی عکس تابلویی قرمز را در اینستاگرامش منتشر کرد.او که سابقه بازی کردن در دربی با پیراهن پرسپولیس را هم دارد به طرفداری از تیم سابقش پرداخت .او البته در زیر این عکس هم نوشته بود:«البته من همه را دوست دارم.»

این روزها خیلی از فوتبال دور شده‌اید و بیشتر چسبیده‌اید به هنر.

نه خیلی. اما گاهی فوتبال هم می‌بینم.

پس باید دربی را هم دیده باشید.

متاسفانه نه! یک کم برنامه‌هایم تداخل داشت و نتوانستم دربی را تماشا کنم.اما از دوستانم آمار گرفتم که چه اتفاق‌هایی افتاده است.

حالا چه اتفاق‌هایی افتاده بود؟

اینکه استقلالی‌ها در نیمه اول بهتر بازی کرده بودند و نیمه دوم هم پرسپولیس.البته شنیدن کی بود مانند دیدن. راستی گل‌های بازی را هم دیدم.گل‌های قشنگی زده شد.

فکر می‌کردید پرسپولیس با این بضاعتی که دارد بتواند استقلال را شکست بدهد؟

راستش من فکر می‌کردم بازی مساوی می‌شود.در کل دربی همیشه غیرقابل پیش‌بینی است.یادم هست زمان بگوویچ تیم ما ۹-۱۰ تا بازیکن ملی پوش داشت.به غیر از ساشا ایلیچ و یکی دیگر از مدافعان ما همه ملی‌پوش بودند. در آن بازی امیرحسین صادقی و میثم بائو فکر می‌کنم نخستین دربی خودشان را تجربه می‌کردند.ما آن بازی را دو بر یک باختیم.من چون خودم هم پرسپولیسی هستم طبیعی است که دوست داشتم پرسپولیس این بازی را ببرد.البته استقلالی‌ها هم برای من قابل احترام هستند

با شرایط فعلی فکر می‌کنید پرسپولیس بتواند در ادامه لیگ برتر موفق باشد.آنها در لیگ قهرمانان آسیا هم یکی از نمایندگان ایران هستند.

من فکر می‌کنم پرسپولیس باید بازیکن کمکی بگیرد.با یک برد هیچ وقت اتفاقی نمی‌افتد.معمولاً در ایران این طور است،تیم‌هایی که دربی را می‌برند تا دو هفته در خواب دربی هستند و خوب نتیجه نمی‌گیرند.رنگ پیروزی در دربی نباید روی پرسپولیس بنشیند.به نظرم درخشان باید طوری مدیریت کند که بازیکنان این پیروزی را فراموش کنند.

به خصوص اینکه بازی بعدی پرسپولیس با تیم آماده نفت تهران است.

دقیقا.آنها همه تیم‌های خوب را برده اند و در آخرین بازی موفق به شکست دادن تراکتورسازی شدند.منصوریان مربی خوب و بزرگی است و به نظرم پرسپولیسی‌ها باید حسابی حواسشان را جمع کنند

نظر شما درباره شکسته شدن طلسم‌ها در دربی چیست؟هم طلسم تساوی‌ها شکسته شد و هم طلسم نباختن‌های قلعه‌نویی.

هر طلسمی روزی می‌شکند و نباید به این چیزها دل خوش کرد.

فکر می‌کنید حق پرسپولیس نیست که بیشتر از یک ملی‌پوش در تیم ملی داشته باشد؟

البته این نظر کی‌روش است اما بازیکنان برای پوشیدن پیراهن تیم ملی باید بیشتر تلاش کنند.

نیمه طلایی پرسپولیس در نیمه مربیان

دربی شماره ۸۰، شاید ۱۰ روز دیگر

شهرام اصغری

ادامه از صفحه۷

خرابه‌های پرسپولیس

حمید درخشان در یک مصاحبه تلویزیونی رسما اعلام کرد که هنوز نتوانسته‌ایم خرابه‌های پرسپولیس را آن طور که می‌خواهیم درست کنیم. ما یک تیم آماده را تحویل گرفتیم که برای درست کردنش نیاز به زمان داریم. منظور درخشان عملکرد دایی در تیم بود و اینکه سرخ‌ها در ابتدای فصل تیم خوبی نبسته‌اند!

در این خصوص افشین پیروانی دستیار دایی مجبور به واکنش شد اما خود دایی تاکنون حرفی علیه کسی نزده است. نکته مهم دربی ۷۹ این بود که دو گل سرخ‌ها روی درخشش شاگردان دایی به ثمر رسید. گل اول سرخ‌ها را طارمی با پرش عالی و پاسی دقیق رقم زد تا پاس او به نوری برسد. در صحنه گل دوم سرخ‌ها نیز عالیشاه کاری کرد کارستان و تیر نهایی را بر پیکر آبی‌پوشان شلیک کرد. طارمی آقای گل فصل قبل لیگ یک بود که دایی به او پیراهن پرسپولیس را داد. ضمن اینکه عالیشاه هم از شاگردان خود دایی در راه‌آهن بود که مقدمات حضور او را نیز در پرسپولیس فراهم کرد. به هر حال دایی اول فصل پولادی، سیدجلال و... را می‌خواست اما باشگاه هرچه تلاش کرد به هدف نرسید که همین مساله باعث شده دایی و دوستدارانش از حرف‌های درخشان ناراحت شوند.

دربی هشتادم، ده روز دیگر؟

اگر هواداران استقلال و پرسپولیس خوش‌شانس باشند بزودی دربی دیگری متولد می‌شود و دو تیم می‌توانند طبق قرعه و برنامه جام حذفی روز جمعه ١٤ آذرماه طی دیداری دیگر به مصاف هم بروند که قطعا آن بازی هم برنده خواهد داشت.

طبق برنامه سازمان لیگ این هفته استقلال در دیدار حذفی خود به مصاف ذوب‌آهن می‌رود که آبی‌ها چاره‌ای جز کسب برد در این دیدار ندارند. اگر چنین شود و آبی‌ها به مرحله بعدی راه یابند باید منتظر عبور سرخ ها از سد تیم گل‌گهر سیرجان باشیم که این مهم نیز امکان‌پذیر است. آنگاه بی‌شک روز جمعه ١٤ آذرماه هواداران زیادی ورزشگاه بزرگ آزادی را پر می‌کنند و استقلال شانس آن را خواهد داشت که در همین فرصت کوتاه ثابت کند باخت دوم آذرماه اتفاقی بود.

هفته سی‌ام چه شود؟!

در این فصل قرعه‌کشی برنامه سرخابی نیز واقعی بود و با قرعه مشخص شد که دو تیم در هفته ١٥ به مصاف هم بروند. به هرحال دیدار رفت که با خیر و خوشی پایان پذیرفت. حالا هواداران باید از همین الان به فکر دیدار هفته پایانی باشند که بی‌شک حساس‌تر و سرنوشت‌سازتر خواهد شد. واقعا دربی هفته پایانی لیگ چه می‌شود؟ با نتیجه‌اش کدام تیم قهرمان می‌شود؟ آیا ممکن است این دربی تشریفاتی باشد و در تعیین قهرمانی دخالتی نداشته باشد؟! و سوال‌های دیگر که از همین الان به ذهن هواداران خطور می‌کند.

مناقشه ناتمام درباره داوری

پرسپولیسی‌ها معتقدند باز هم استقلال را ۱۰ نفره برده‌اند. اما استقلالی‌ها هم به مسائل داوری اعتراض دارند و معتقدند یدالله جهانبازی در این بازی عملکرد بسیار ضعیفی از خود به نمایش گذاشته و ضمن بی‌تفاوتی از خطای پنالتی بنگر در محوطه جریمه با او بسیار مهربانانه رفتار کرده‌اند، روزنامه ارگان باشگاه استقلال حتی تصویر روی جلد خود را به جهانبازی اختصاص داد. آبی‌ها معتقدند بنگر حتی علیه داور و مقابل چشمانش حرف می‌زد و اعتراض می‌کرد و با برخوردهای خشن خود روی بازیکنانی چون برهانی و... مرتکب خطا می‌شد اما جهانبازی در مقابل تمام رفتارهای این مدافع سرزن بی‌تفاوت بود. به هرحال در برنامه نود دیشب هم قطعا فردوسی‌پور روی نقاط ضعف و قوت دربی و جهانبازی زوم کرده است اما آبی‌ها باید باخت را هضم کنند و با آن کنار بیایند. چون نتیجه هیچ دیداری به خاطر اشتباه داور تغییر نمی‌کند.

ضمن این که مظفری‌زاده داور بین‌المللی فوتبال ایران هم گفته اگر نیمی در این بازی پنالتی طلب داشته باشد، آن تیم پرسپولیس است، نه استقلال!

پرواز بر فراز دربی ۷۹

پرده اول: آژانس رزرو بلیت هواپیما، سه روز قبل از دربی ۷۹

جلوی گیشه بلیت فروشی آژانس ایستاده‌ام. زن مسوول گیشه همچنان نگاهم می‌کند. با صدایش به خودم می‌آیم.

– بالاخره می‌خواین یا نه. فقط همین ساعت جا می‌ده.

باز هم دست‌دست می‌کنم. از طرفی می‌دانم صبح دوشنبه باید سرکار باشم و از طرفی برای روز یکشنبه فقط پرواز ساعت ۱۷:۱۵ جا می‌دهد و این یعنی از دست دادن تماشای دربی. هرچه حساب کتاب می‌کنم با فرض بی‌تاخیر بودن و خلوت بودن مسیر باز هم به آخر بازی نمی‌رسم. یاد دربی‌های قبل که می‌افتم به خودم دلداری می‌دهم: «خیلی هم بازی خاصی نیست. احتمالا گل هم ندارد.»

– بله خانم همان ساعت ۱۷:۱۵ را صادر کنید.

پرده دوم: سالن انتظار فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد، ۲ ساعت قبل از دربی ۷۹

خیلی زودتر رسیده‌ام. شاید فکر می‌کنم اگر زود بروم پرواز هم زود و بی‌تاخیر انجام می‌شود! کارت پرواز را می‌گیرم و از بازرسی رد می‌شوم. گوشی آنتن نمی‌دهد که سایت‌ها را چک کنم. از بازرسی برمی‌گردم. اخبار را می‌خوانم. ظاهرا استقبال خوبی هم از بازی نشده است. عقربه کوچک ساعت رفته‌رفته خودش را به ۵ می‌چسباند. خبری از اعلام نیست. پرواز با نیم‌ساعت تاخیر انجام می‌شود. دیگر خیالم از نرسیدن به دقایق پایانی هم راحت شده! حالا فقط دغدغه پایان بازی را دارم و شلوغی وحشتناک میدان آزادی. آخرین بار سایت‌ها را قبل از خاموش کردن گوشی چک می‌کنم: «برگزاری مراسم یادبود مظلومی‌در ورزشگاه آزادی». خدایش بیامرزد.

پرده سوم: آسمان تهران، بین دو نیمه دربی ۷۹

نیازی به اعلام خلبان نیست. تکان‌های هواپیما نشان از کاهش ارتفاع دارد. چراغ‌های بی‌شمار تهران هم که دیگر مشخص است. زیاد از اصول پروازی سردر نمی‌آورم اما ظاهرا مقرر شده جهت رفاه حال مردم، پروازها از روی شهر عبور نکنند. هواپیما دور می‌زند و از بالای ایران‌خودرو به باند نزدیک می‌شود. ورزشگاه صدهزارنفری آزادی با نورافکن‌هایش کاملا مشخص است، اما آنقدر ارتفاع کم نیست که بشود چیز دیگری دید، فقط چهار چراغ روشن در چهارگوشه مستطیل سبز و سیاهی جمعیت روی سکوهایی که بعضا وسطش سفیدی هم دیده می‌شود. پس ورزشگاه پر نشده است. سعی می‌کنم نتیجه را حدس بزنم. با توجه به دربی‌های قبلی محتمل‌ترین نتیجه صفر – صفر است!

پرده چهارم: داخل هواپیمای ایرباس روی باند فرودگاه مهرآباد، دقیقه ٦٠ دربی ۷۹

هواپیما به زمین نشسته و با این که هنوز روی آسفالت نه چندان صاف مهرآباد زمین‌گیر نشده، دیگر خطری تهدید نمی‌کند و می‌شود گوشی‌ها را روشن کرد. هنوز صفحه اینترنت را باز نکرده‌ام. پیامک تمسخرآمیز برادرم می‌رسد: «دیدی دربی را بردیم!». مگر بازی تمام شده؟ به ساعت نگاه می‌کنم. باید حدود دقیقه ٦٠ باشد. ته دلم ناراحت می‌شوم. هر چند مثل قدیم‌ها دیگر خیلی پرسپولیسی دو آتشه نیستم. دلیلش را نمی‌دانم که افت کیفیت فوتبال است یا خبرنگار شدن. سایت نتایج زنده را نمی‌بندم. به سالن ورودی می‌رسم و منتظر چمدان. دقیقه ٦٨ نتیجه هنوز یک صفر.

پرده پنجم: سالن ورودی فرودگاه مهرآباد، دقیقه ۷۰ دربی ۷۹

منتظر چمدان ایستاده‌ام. هیاهویی از گوشه سالن به ذهنم تلنگر می‌زند که احتمالا تلویزیونی هست. نتیجه را می‌پرسم هنوز استقلال با یک گل جلوست. به سمت ریل نقاله چمدان‌ها بر می‌گردم که فریادی می‌شنوم: گللللللللللللل به سمت اتاقک می‌دوم. چهره خوشحال مردی که روبه‌روی تلویزیون ایستاده دوباره ناراحت می‌شود:

– وای خورد به تیر. چه گلی می‌شد اگه گل می‌شد.

چمدان قرمزم را روی نقاله می‌بینم و برمی‌دارم. این بار همان مرد از جا منفجر می‌شود. چنان فریادی می‌زند که مامور حراست فرودگاه کمی چپ‌چپ نگاهش می‌کند. فریاد گل او برخلاف بار قبل نیمه‌تمام نمی‌ماند. لبخندی می‌زنم. پس باز هم مساوی. هرکس که می‌گوید دوست دارم تیمم ببازد اما دربی مساوی نشود دروغ گفته است. آشکارا از این که پرسپولیس بازی را فعلا نباخته خوشحالم. تیتر خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های فردا را در ذهنم مرور می‌کنم: «تکرار تساوی‌ها این بار با گل».

پرده ششم: پارکینگ فرودگاه مهرآباد، دقیقه ۸۰ دربی ۷۹

باد سردی می‌وزد.عجله می‌کنم. اگر نکنم و بازی تمام شود دیگر نمی‌شود به خانه رفت. دور میدان آزادی قفل می‌شود. سمت تاکسی فرودگاه می‌روم. شماره می‌گیرم. سه نفر هستند و بازی را تماشا می‌کنند.

– اکبر نوبت توئه. پاشو برو.

– نوبت چیه!؟ مسیرش به تو می‌خوره می‌خواد بره پونک!

خنده‌ام می‌گیرد. یادم نمی‌آید راننده‌ها حاضر شده باشند مسافر را به هم پاس بدهند! ظاهرا قرار نیست کسی تکان بخورد. کمی فاصله می‌گیرم. که فریاد گل بلند می‌شود. بر می‌گردم. پرسپولیس گل دوم را زده یا خورده؟ راننده با وجود گل زدن همچنان داد می‌زند.

– در نیارا! در نیارا!کارت داری اخراج می‌شی... در نیار اه اه اه

– فدای سرش تو اگه گل زده بودی لباست که هیچ...!

راننده دیگر سوئیچ را برمی‌دارد. این یکی ظاهرا استقلالی است. دل و دماغ تماشای ادامه مسابقه را ندارد:

– بریم داداش. بقیه‌اش رو تو ماشین گوش می‌دم.

پرده هفتم: میدان آزادی، دقیقه ۹۰ دربی ۷۹

بی‌دل و دماغ بودنش را سر ترمز و کلاچ خالی می‌کند. گزارشگر رادیو می‌گوید نیلسون مصدوم شده و باید تعویض شود. صدای اعتراض راننده بلند می‌شود:

– این نیلسونِ... اداشه. چیزیش نشد که.. داره وقت می‌کشه ...

فحش‌هایش خیلی رکیک است! شاید چون خارجی است این قدر راحت به او فحش می‌دهد. می‌خواهم بگویم تو که صحنه را ندیدی از کجا می‌دانی مصدوم نیست؟ چشمم به صورت عصبانی‌اش می‌افتد پشیمان می‌شوم. این قدر بد رانندگی می‌کند که دختر عروسکی که به آینه‌اش آویزان کرده لحظه‌ای آرام و قرار ندارد. شاید او هم پرسپولیسی است حداقل لباسش که قرمز است! صدای گزارشگر دوباره بلند می‌شود: «نیلسون به بازی برمی‌گردد و تعویض منتفی می‌شود». از این که پیش‌بینی‌اش درست در آمده فحش پیروزمندانه‌ای می‌دهد:

– دیدی گفتم این... همش فیلمه!

اعلام شش دقیقه وقت اضافه لبخند را به لبان راننده بر می‌گرداند. گزارشگر اطلاعات زیادی از بازی ارائه نمی‌دهد و هر از چندگاهی به ارسال از جناحین اشاره می‌کند. راننده که ظاهرا ناامید شده این بار در کسوت مربی ظاهر می‌شود:

– قلعه‌نویی هم فقط بلده توپ رو بده خسرو اونم بکشه زیرش. اون بنگر ... هم همه سرها رو می‌زنه دیگه!

خب پس قرار نیست ایرانی‌ها از فحش مصون باشند! نگاهش می‌کنم. با خودم فکر می‌کنم اگر ورزشگاه بود چند برابر این فحش می‌داد؟ بازی تمام شده و من از خطر شلوغی جسته‌ام. راننده هنوز به غرغر زیرلب ادامه می‌دهد:

– امسال هیچی نمی‌شیم. دستمون رو شده! دو تا بازی درست حسابی نبردیم. سهمیه بگیریم باید کلاهمون رو بندازیم بالا. وقتی کرار رو می‌ندازن بیرون همینه دیگه.

اطلاعاتش غلط است؛ کرار به دلیل محرومیت در دربی غایب است. همین مساله را به او می‌گویم و جوابی عجیب می‌شنوم:

– بچه شدی؟ معلوم نیست چه گندی زده که می‌خواستن از باشگاه اخراجش کنن. محرومیت و این حرفاالکیه.

این که راننده تاکسی چگونه از خبری که رسانه‌ای نشده اطلاع دارد شگفت زده‌ام می‌کند. اشرفی اصفهانی را بالا می‌رویم تا میدان صادقیه. راننده در حال آرام شدن است. همین که آرام‌تر می‌شود به فکر مسافر جمع کردن می‌افتد. زیر لب یادآوری می‌کنم که دربست گرفته‌ام. نگاهم می‌کند و خوشبختانه عصبانیتش سر من خالی نمی‌شود:

– شرمنده حواسم نبود. اعصاب نمی‌ذارن واسه ما که...

اما چند موتوری پرچم قرمز به دست را که می‌بیند یادش می‌افتد و دوباره فحش می‌دهد. این قدر عصبانی است که می‌ترسم. هم از این که خودم پرسپولیسی‌ام هم از چمدان قرمزم! ترافیک شروع می‌شود. ماشین‌ها زیاد شده‌اند. سه سالی می‌شود که هیچ یک از دو تیم شادی نکرده‌اند. این بار نوبت من و قرمزهاست.

پرده هشتم: منزل، نیم ساعت پس از دربی ۷۹

وارد خانه می‌شوم. دوستم می‌گوید چه دربی‌ای را از دست دادی. سایت‌ها را باز می‌کنم. مصاحبه‌ها چندان غیرقابل پیش‌بینی نیستند. برنده از برنامه‌ریزی خوب برای بردن دربی گفته و بازنده از ناداوری. فکر می‌کنم اگر من بازی را می‌دیدم باز هم قشنگ می‌شد؟ شاید لازم است هر سال برای قشنگ شدن دربی فداکاری کنم و بازی را نبینم!

منبع: ایسنا

طنز هفته... واقعیت هفته

این دربی افتضاح نبود...

شهرام اصغری

محمد نوری هافبک شوتزن پرسپولیس در دیدار مقابل استقلال وقتی گل مساوی را زد از خوشحالی به سمت هواداران دوید و پیراهنش را از تن خارج کرد. هر چه به پیراهن زیرین نوری دقت کردیم تا شعار یا عکسی ببینیم؛ هیچ چیز ندیدیم جز یک پیراهن چسبان آستین‌دار کاملا قرمز که هیچ نقش یا نوشته‌ای روی آن نبود. ما نفهمیدیم نوری با چه انگیزه‌ای این پیراهن را از تن خارج کرد؟! بالاخره باید نوشته یا شعاری زیر آن باشد تا بازیکن انگیزه داشته باشد پیراهنش را از تن درآورد و مقابل کارت زرد داور قرار بگیرد! عالیشاه هم پس از گلزنی از فرط خوشحالی پیراهن خود را به طور کامل از تن خارج کرد تا اخراج شود. معمولا برخی بازیکنان هنگامی که اقدام به درآوردن پیراهن می‌کنند در زیر پیراهن خود شعاری مذهبی یا تصویری حک می‌کنند...

اشتباه‌قلعه‌نوعی

در دربی ۷۹ پایتخت نقش مربیان بیش‌از هر زمان دیگری نمود پیدا می‌کند. قلعه‌نوعی در این بازی از نظر فنی هم مثل همیشه نبود اما نکته ظریفی که نباید از آن غافل ماند مصاحبه سرمربی آبی‌ها قبل از بازی بود. قلعه‌نوعی در مورد محمد نوری بازیکن حریف گفت: نوری بازیکنی بسیار خوب است و ما باید این بازیکن را مهار کنیم و... همین حرف امیر باعث شد انگیزه‌های این بازیکن دو چندان شود. البته در خوب بودن نوری شکی نیست اما سرمربی تیم که نباید در مورد بازیکنان حریف حرف بزند. به هر حال قلعه‌نوعی در این بازی تا حدودی دستش بسته بود و چند مهره خوبش را در اختیار نداشت و از طرف دیگر سرخ‌ها نیز خوش شانس بودند.

دربی افتضاح نبود آقای عنایتی!

غلامرضا عنایتی پس از اینکه آپاندیس خود را عمل کرد و برای مدتی در بیمارستان بستری شد نگاهش به دنیای پیرامون خود تغییر کرد. او قبل از دربی گفت: دربی تهران افتضاح‌ترین دربی دنیاست! او همه را ناامید کرد و شاید همین حرف رضای آقای گل بود که باعث شد ورزشگاه آزادی از جمعیت پر نشود! مگر نه اینکه ما در قبال حرف‌های خود مسوولیم؟ به هر حال خود عنایتی هم دید دربی ۷۹ افتضاح نبود و سه گل هم داشت و شور و هیجان بازی هم خیلی زیاد بود. همانی که یک جوان و هوادار می‌خواهد. قبل از شروع بازی حتی یک روز مانده به بازی هواداران پرسپولیس به شدت نگران نتیجه بودند و استرس داشتند. آنها در نیمه اول هم ضربان قلبشان به حداکثر رسید و تیم‌شان با یک گل خورده به رختکن رفت اما در نیمه دوم ناگهان استقلالی‌ها دوباره از بالا به پایین افتادند و دو گل از حریف سنتی خود دریافت کردند. این بار هواداران پرسپولیس شادی می‌کردند و در آسمان‌ها بودند و در عوض استقلالی‌ها از عرش به فرش افتاده بودند. این هیجان، شور و حال، شادی و غم همانی است که یک هوادار نوجوان و جوان از حضور در یک استادیوم یا سینما به دنبالش می‌گردد. انصافا این بار دربی جذاب بود.

شکایت بازی و دادسرای فرهنگ و رسانه

جواد نکونام کاپیتان تیم ملی پس از حضور در تهران به خاطر بازی دوستانه مقابل کره‌جنوبی متوجه شد ممنوع‌الخروج است. ماجرا از این قرار بود که قلعه‌نویی سرمربی آبی‌پوشان پایتخت از او شکایت کرده بود. نکونام وقتی از استقلال جدا شد مصاحبه‌ای علیه قلعه‌نویی با طعنه و کنایه انجام داد و به نوعی او را متهم کرد که از برخی بازیکنان ویژه حمایت می‌کند و علیه دوستان امیر و اطرافیانش نیز حرف‌هایی زد. پیش از این اگر کسی علیه کسی مصاحبه می‌کرد آن طرف برای اعاده حیثیت دستش به جایی بند نبود. بنابراین طرف مقابل نیز مجبور می‌شد برای اقناع افکار عمومی چشمانش را ببندد و دهانش را باز کند اما اندک‌اندک فضای رسانه‌ها و حتی فضای مجازی بهتر می‌شود و حالا دادسرای فرهنگ و رسانه فعال است و مایلی‌کهن به خاطر مصاحبه‌اش به زندان می‌رود و از کاپیتان تیم ملی هم به واسطه حرف‌هایش توضیح می‌خواهند. حضور پلیس فتا هم در فضای مجازی بهتر شده اما کافی نیست و باید این فضاها به شکل حرفه‌ای تحت نظر گرفته شوند.

تیم ملی در زندان کی‌روش

جلال چراغپور کارشناس و مربی فوتبال پس از بازی تیم ملی مقابل کره‌جنوبی گفت: تیم ملی در زندان کی‌روش محصور است! این کارشناس مدعی شد استایل با روش متفاوت است ضمن اینکه قلعه‌نویی «گیم» نکونام را قبول نداشت و از استقلال خط زد و... چراغپور در جملاتش از کلمات خارجی استفاده می‌کند و معلوم است که اطلاعات زیادی از فوتبال دارد! بعضی‌ها نیز هنگام سخنرانی از کلمات و زبان خارجی استفاده می‌کنند که لابد آنها هم باسوادند.

دعوای بحرینی اشکان

اشکان دژاگه ملی پوش با تعصب کشورمان در بازی دوستانه با کره حرکت خوبی از خود نشان نداد. او در یک صحنه توپ را با دو دستش گرفت و اجازه نمی‌داد چشم بادامی‌ها بازی را شروع کنند. فوتبال دوستان ایران با ایجاد تاخیر در بازی و تمارض بازیکنان موافق نیستند و حرکت اشکان اصلا خوب نبود و باعث شد برای دقایقی بازیکنان و مسوولان دو تیم دعوا کنند و میهمان نوازی ما ایرانی‌ها زیر سوال برود.

خانه داماد خبری نیست

در خصوص انتخاب زلاتکوکرانچار به عنوان سرمربی امیدها هفته گذشته قبل از اینکه قراردادی بین فدراسیون و کرانچار امضا شود؛ اعلام شد دو دستیار خارجی کرانچار هم انتخاب شده است! این در حالیست که در ظاهر برای عقد قرار داد با سرمربی خارجی باید اعضای هیات رئیسه، وزارت ورزش و کمیته فنی فدراسیون نظر بدهند! اما با خبری که اعلام شد کرانچار گویا خود را به عنوان سرمربی قطعی تیم ملی امید می‌دانست و به قولی هنوز خانه داماد هیچ خبری نیست؛ خانه عروس خانم بزن و برقصه!

منظور کی‌روش سبزی پلو بود!

کارلوس کی‌روش مربی روانشناس و نکته سنجی است و او خوب می‌داند چطور به بازیکنانش در مصاف با حریفان انگیزه بدهد. کی‌روش قبل از بازی با کره گفت، بازیکنان باید جدی و محکم بازی کنند و حتی آنها باید چمن را بجوند! من قبل از حضور در کنفرانس چمن خوردم و...

علی کفاشیان رئیس فدراسیون در خصوص این حرف سرمربی تیم ملی طبق معمول ابتدا کمی خندید و بعد گفت: منظور کی‌روش سبزی پلو بوده است و شاید هم مترجم او دچار اشتباه شده و سبزی پلو را چمن ترجمه کرده است! واقعا حرف‌های کفاشیان هم در نوع خودش جالب است.

شوک حنیف به فروزان

در دربی حساس پایتخت صحنه‌های عجیب و غریب زیادی به چشم می‌خورد. یکی از صحنه‌های عجیب این بازی شوکی بود که حنیف عمران‌زاده به دروازه‌بان آبی‌پوشان وارد ساخت. در یک صحنه که مهاجمان پرسپولیس خیلی راحت توپ را به سمت دروازه آبی پوشان شلیک کردند فروزان کمی داد و بیداد کرد و به اصطلاح خواست با مدافعان تیمش صحبت کند اما آقا حنیف فورا دست به کار شد و با چند چک هم صورت فروزان را سرخ کرد هم اینکه به او شوک وارد کرد تا صدایش را همینطور بلند نکند و جو تیم را برهم نریزد. شاید حنیف این کار را از اکبر میثاقیان یاد گرفته باشد که او هم گاهی به بازیکنان تیمش شوک وارد می‌کرد.